


Discourse Representation in the Images of English Textbooks "Prospects" and "Visions": A semiotic Analysis :The Case Study of Ethnicity and Place

Shima Zargar Balaye Jam¹, Shahram Modarres Khiabani² * , & Mohammadjavad Hejazi³

Abstract

The relation between culture and language, features the need to examine the effectiveness of language textbooks. Considering the goal that foreign language teaching is mainly associated with the entry of cultural issues into the learner' knowledge, this need increases especially during learning a foreign language. Due to the today's growing importance of visual communication, this article offers a new perspective on images of English language textbooks in our system of education, based on the semiotic model of Kress and Van Leeuwen (2006), which emphasizes the importance of constituent elements of culture and society in analyzing linguistic signs; such as clothing, traditions or customs of cultures and subcultures. Paying attention to limitations of this case study, "ethnicity and location" are analyzed in the images of "Visions" and "Prospects". The present study explains how discourse is represented in these images, based on a scientific background and descriptive-analytical method with the aim of examining the social and cultural functions of language. The results show that the studied textbooks don't have a specific "ethnic-racial" approach and selection of "place" was without bias of the source language or the target language; In this way, the illustrator didn't pay special attention to his or her own language in choosing the images.

Keywords: discourse analysis, English language teaching, education, cultural transmission, semiotics

1. PhD Candidate in General Linguistics, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Corresponding author, Assistant Professor, Department of English Language Teaching and Translation, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: shahram.modarres@Kiau.ac.ir, ORCID ID: <https://orcid.org/0000000160225306>

3. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Received: 1 March 2019
Received in revised form: 21 April 2019
Accepted: 22 July 2019

1. Introduction

Due to the today's increasing importance of visual communication, the present study has a new perspective to this issue and examines the various forms of visual communication and discourse representation in images of "Visions" and "Prospects" related to place and ethnicity. Sometimes it is not possible to express everything that is presented through the images with a linguistic tool, and the opposite is also true. In this study, in addition to examining the semiotic pattern of Kress and Van Leeuwen (2006), we will look at the questions: how discourse is represented in images related to "ethnicity" as well as "place". A deep connection between English language and its related culture and the need to confirm that English language textbooks contain cultural issues in addition to linguistic issues, resulted the researcher into analyze multi-style texts after extracting. In this article, we try to analyze images at the levels of representational, interactive and compositional meaning using descriptive-analytical method. This study is based on the hypothesis that the mentioned English language textbooks, don't have a specific ethnic-racial approach and images related to "place" play a role in conveying concepts without biasing the source language or the target language.

2. Literature Review

It is necessary for images to meet the conditions of representation and communication, so that they act as a complete communication system. One of the language semiotics' schools is social semiotics, which deals with a social dimension of meaning in the communication media and pictures. Social semiotics has many possibilities for semiotics and is presented with the assumption that signs and messages should be considered in the field of social processes (Kress & Van Leeuwen, 2006: 6). Studies like Meshkat (2002), Shin & Kubota (2008), Amouzade et al (2013), Wue (2014) and Ahangar & Shirvani (2016) have discussed the discourse representation in multimedia texts. However, the present research is a new study to newly published English

textbooks "Prospect" and "Visions". Although Halliday's theory (1994) is capable of analyzing pragmatic aspects of language, it is incapable of studying multi-style texts. Kress and Van Leeuwen (2006) improved and generalized his idea to images. Torres (2015) evaluated textbook's social-visual semiotics in the educational system of South Korea based on Kress and Van Leeuwen (2006). His findings indicated that some visual and verbal messages conflict with each other. He also explains that this opposition reveals the purposeful ideology within those images. Rouhani and Saeed Far (2013) worked on a comprehensive study using the grammar model of Kress and Van Leeuwen (2006). They analyzed the images of old high school textbooks. According to their research, images aren't used in the service of language learning completely. With this in mind, let's know the other part of paper.

3. Methodology

This research applies Halliday's theory (1994) and Kress, G. & Van Leeuwen (2006) to analyze discourse representation in images of English textbooks "Prospects" and "Visions" which affect the students as learners. In this article, we try to analyze images at the levels of representational, interactive and compositional meaning using descriptive-analytical method.

4. Results and Discussions

By analyzing the data, the initial hypotheses are confirmed. In this way, the studied images show that people having different ethnicity are the same. They tend to show that it doesn't matter what their particular race or skin color is; rather, human beings regardless of these features, can be successful and efficient people if they have necessary competencies. In selecting place-related images, public locations such as the street and the classroom are selected. It has a general aspect and isn't specifically related to a particular language or culture; As a result, no orientation of the source language or the target language plays a role in conveying concepts.



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۱، ش ۶ (پیاپی ۶۰) بهمن و اسفند ۱۳۹۹، صص ۴۱۹-۴۴۸

بازنمود گفتمان در تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی «Prospects» و «Visions» از دیدگاه نشانه‌شناسی،

مطالعه موردی: قومیت و مکان

شیمای زرگر بالای جمع^۱، شهرام مدرس خیابانی^{۲*}، محمدجواد حجازی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه آموزش و مترجمی زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۱

دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

وجود ارتباط میان فرهنگ و زبان، نیاز به بررسی تأثیرگذاری کتاب‌های آموزش زبان را، بیش از پیش، نمایان می‌سازد. با در نظر داشتن این هدف که آموزش زبان خارجی عمدتاً با ورود مسائل فرهنگی به حیطه دانش زبان‌آموز همراه است، این ضرورت، به‌خصوص هنگام یادگیری زبان خارجی، افزایش می‌یابد. با توجه به اهمیت روزافزونی که امروزه ارتباط تصویری پیدا کرده است، مقاله حاضر دیدگاهی نو به تصاویر کتاب‌های زبان انگلیسی آموزش و پرورش دارد و بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی کرس و ون لیوون (2006) که در واقع بر اهمیت عناصر سازنده فرهنگ و اجتماع همانند نوع پوشش، سنت‌ها و یا آداب و رسوم فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در تحلیل نشانه‌های زبانی تأکید دارد، با توجه به محدودیت این پژوهش، به‌طور موردی «قومیت و مکان» در تصاویر کتاب‌های «Visions» و «Prospects» مورد تحلیل قرار می‌گیرند. تحقیق حاضر با استناد به پیشینه علمی به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی زبان، چگونگی بازنمایی گفتمان را در این تصاویر تبیین می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی مورد نظر از رویکرد خاص «قومی - نژادی» برخوردار نیست و انتخاب «مکان» نیز بدون سوگیری زبان مبدأ یا زبان مقصد بوده است؛ بدین صورت که تصویرساز در انتخاب تصاویر توجه مشخصی به زبان خود یا دیگری نداشته است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، آموزش زبان انگلیسی، آموزش و پرورش، انتقال فرهنگی، نشانه‌شناسی.

E-mail: shahram.modarres@kiaou.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

پیرو تغییرات و پیشرفت‌هایی که در نیمه دوم قرن بیستم به وجود آمد، ضرورت یادگیری زبان انگلیسی به‌منزله زبان بین‌المللی در بیشتر کشورها پذیرفته شد؛ چنانکه اعضای جامعه در روند یادگیری مواد آموزشی، برخی آموزش‌ها و تخصص‌های لازم را در این ارتباط کسب می‌کنند. فرهنگ‌ها انتظارات خود را درباره دستیابی به باورها و ارزش‌های خود توسط آموزش زبان به افراد جامعه منتقل می‌کنند و نقش‌پذیری یکی از پیامدهای آشکار این فرایند است. بنابراین، وظیفه مراکز آموزشی تنها در موضوع آموزش محدود نمی‌شود، بلکه بخش مهمی از تأثیرپذیری فرهنگی و رفتاری نیز از کارکردهای آن‌هاست (رابرتسون، ۱۹۴۴، ترجمه بهروان، ۱۳۷۷، صص. ۱۲۷-۱۱۲).

با توجه به اهمیت روزافزونی که امروزه ارتباط تصویری پیدا کرده است، پژوهش حاضر دیدگاهی نو در جهت بررسی این مسئله دارد و به بررسی شکل‌های گوناگون ارتباط تصویری و بازنمودگفتمان در تصاویر مرتبط با مکان و قومیت «*Visions*» و «*Prospects*» می‌پردازد. گاهی نمی‌توان هر آنچه را از طریق تصویر ارائه می‌شود با ابزاری زبانی بیان کرد و عکس این قضیه نیز صادق است. در این مطالعه علاوه بر بررسی الگوی نشانه‌شناسی کرس و ون لیوون^۱ (۲۰۰۶) به دنبال این پرسش‌ها خواهیم بود که بازنمود گفتمان در تصاویر مرتبط با «قومیت» در کتاب‌های «*Visions*» و «*Prospects*» چگونه است و بازنمود گفتمان در تصاویر مرتبط با «مکان» در این کتاب‌ها به چه صورت است. وجود رابطه عمیق میان زبان انگلیسی و فرهنگ مربوط به آن و لزوم تأیید اینکه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی علاوه بر مسائل زبانی، حاوی مسائل فرهنگی نیز هستند محقق را بر آن داشت تا پس از استخراج متون چندشیوه به تحلیل آن‌ها بپردازد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تصاویر را در سطوح معنای بازنمودی^۲، تعاملی^۳ و ترکیبی^۴ تحلیل کنیم. این مطالعه بر این فرضیه‌ها استوار است که کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی موردنظر، از رویکرد خاص قومی - نژادی برخوردار نیست. تصاویر مرتبط با «مکان» نیز بدون سوگیری زبان مبدأ یا زبان مقصد در انتقال مفاهیم نقش دارند. در تدوین بخش پیشینه عملی و چارچوب نظری از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع مختلف

کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های ایرانی و غیرایرانی مرتبط بهره گرفته شده است. مطالعه حاضر بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی کرس و ون لیوون (2006) و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تصاویر کتاب‌های مذکور می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

تحلیل صورت و معانی ارتباط‌ها، بخش مهمی از رویکردهای انتقادی است. تصاویر دارای اهداف ایدئولوژیک هستند که همچون ابزاری در جهت تحقق و تأیید جهت‌گیری‌های سیاسی یا ایدئولوژیک به کار برده می‌شود. رویکرد روبه‌پیشرفت گفتمان‌شناسی انتقادی، به دنبال نشان دادن چگونگی به‌کارگیری زبان در بیان و اعمال قدرت و یافتن جایگاهی در تعاملات اجتماعی است؛ اینکه چگونه متن‌هایی که در ظاهر بی‌طرف است و صرفاً با نیت اطلاع‌رسانی در گزارش روزنامه‌ها، کتاب‌ها و غیره ظاهر می‌شود، دقیقاً مانند متون رسانه‌ای معتبر، به ترویج گفتمان‌های ایدئولوژیک مورد نظر خود دست می‌زند (Kress & Van leeuwen, 2006: 14). هلیدی^۱ عبارت نشانه‌شناسی اجتماعی را سال ۱۹۷۸ مطرح کرد و این اصطلاح با نفوذ بسیار گسترش یافت. کار او بیشتر بر روی بررسی زبان‌های کلامی متمرکز بود و صورت‌بندی زبان به‌عنوان نشانه‌شناسی اجتماعی را به‌معنای تفسیر کردن زبان در بافتی اجتماعی - فرهنگی می‌دانست که در آن فرهنگ هم، با اصطلاحات نشانه‌شناختی تفسیر می‌شود. زبان اساساً نظام جداگانه‌ای است که توسط زبان‌شناسی مطالعه می‌شود و باقی نظام‌ها که موضوع مطالعه نشانه‌شناسی است با زبان کلامی تعامل برقرار می‌کند تا فرهنگ را بسازد که این موضوع از ابتدای پیدایش نشانه‌شناسی در تعیین نسبت آن با زبان‌شناسی مطرح بوده است. هلیدی را می‌توان نخستین شخصی دانست که این اصطلاح را به کار می‌برد، اما به نظر می‌رسد این مفهوم هنوز برای او چندان دقیق نبوده و نسبت آن با زبان‌شناسی چندان روشن نبوده است. از جهاتی به نظر می‌رسد او به نشانه‌شناسی اجتماعی که هنوز توسعه نیافته است متوسل می‌شود تا نظریه صرفاً زبان‌شناسانه‌اش را کامل کند. خوش‌بینانه‌تر می‌توان گفت او راهی را برای توضیح نسبت زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی آغاز کرد که در آن پرداختن به رمزگان‌های زبانی به مطالعه سایر رمزگان‌ها کمک خواهد کرد؛ به این معنا نظریه زبان‌شناسی هلیدی حتی پیش از

اینکه این رشته وجود داشته باشد شاخه‌ای از نشانه‌شناسی اجتماعی بوده است (مصلح‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۸).

آهنگر و شیروانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی جامعه‌شناختی - زبانی دیوان‌نوشته‌ها در محیط دانشگاهی پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که مطالبی در ارتباط با «موضوعات درسی» توسط دانشجویان دختر و «نصیحت و نگرانی مالی» توسط پسران دانشجویان به نگارش درآمده بود. تحلیل موضوعی دیوان‌نوشته‌ها نشان داد که دانشجویان پسر غالباً به دنبال «تثبیت قدرت» و «جایگاه برتر» و دانشجویان دختر در صدد ابراز «احساسات عاطفی» و «ایجاد هم‌بستگی» بودند. همچنین، نتایج به‌دست آمده در ارتباط با سبک نوشتاری به‌کاررفته در هر دو گروه دیوان‌نوشته‌ها نشان داد که دختران به استفاده از گونه زبانی گسترده‌گرایش داشتند و از این رهگذر، نسبت به دانشجویان پسر دارای برتری زبانی بودند. عموزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله مشترکی رابطه جنسیت و قطع کلام را مورد بررسی قرار دادند. تحلیل داده‌های آن‌ها نشان می‌دهد که قطع کلام، نقش‌های مختلفی در تعامل دارد و بیانگر تسلط مردان بر زنان نیست. عواملی نظیر نوع عضویت هسته‌ای و وابسته در جامعه کنشی و منزلت درون‌گروهی در شکل‌گیری قطع کلام دخیل است. آموزش زبان در پژوهش شین^۷ و کوپتا^۸ (2008)، از یکسو موجب توسعه ارتباط‌های فرهنگی و اجتماعی میان کشورها می‌شود و ازسوی دیگر می‌تواند به‌منزله ابزاری در جهت بسترسازی برای نفوذ افکار و اندیشه‌های غربی بر کشورهای مسلمان محسوب شود. کشورهای غربی با استفاده از آموزش زبان انگلیسی تلاش می‌کنند تا هنجارهای فرهنگ خود را به جوامع دیگر صادر کنند و با تضعیف ارزش‌ها و موازین ملی و مذهبی آن‌ها، این کشورها را هرچه بیشتر به‌لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، به خود وابسته کنند و درواقع تحت سلطه خود درآورند. وضع نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان معمولاً به‌شکل مسیر یک‌طرفه از جانب کشورهای غربی به سمت کشورهای درحال توسعه در جریان است. و^۹ (2014) در مطالعه خود، پیوستگی میان متن و تصویر را در دو دیدگاه مطرح کرده است. دیدگاه اول، بینان‌شانه‌ای^{۱۰} است که در این دیدگاه، متن و تصویر یکدیگر را کامل می‌کنند و متنی یکپارچه، هماهنگ، یک‌دست و به‌هم‌پیوسته را به‌وجود می‌آورند. این یکپارچگی از راه زنجیره‌های پیوستگی به‌وجود می‌آید. دیدگاه دوم، شامل روابط

معنایی مطلق^{۱۱} است که هلیدی آن‌ها را پیوند بین‌بندی^{۱۲} می‌نامد. این رابطه‌ها پیوند معنایی مطلق میان متن و تصویر را از راه هم‌نشینی ساختاری^{۱۳} تفسیر می‌کنند. این دیدگاه نه تنها به ارتباط میان بندها ختم نمی‌شود، بلکه رابطه‌های بین نشانه‌ای متن و تصویر را نیز نشان می‌دهد (Wu, 2014, pp. 1415-1420).

به‌طور کلی ارزیابی کتاب‌های درسی در نظام آموزشی کشور به‌ویژه با توجه به پیشرفت فناوری و استفاده از ابزارها و نماهای مختلف در کتاب‌های آموزشی همانند تصویر، رنگ و حتی فایل صوتی اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه این امکان را به طراحان کتاب‌های درسی می‌دهد تا از تأثیرگذاری کتاب‌ها و مطالب آموزشی در راستای تحقق اهداف آموزشی مورد نظر و همچنین کاستی‌های موجود در این مسیر آگاهی یابند. در دو دهه گذشته، پژوهش‌های متعددی به‌ویژه در ایران به ارزیابی کتاب‌های آموزشی پرداخته‌اند که البته این مطالعات شامل بررسی جنبه‌های مختلف همچون تحلیل محتوایی، فرهنگی، جنسیت و مانند آن هستند که در همین زمینه ازجمله می‌توان به برخی از پژوهش‌های ایرانی همچون مشکات^{۱۴} (2002)، یاری (۱۳۹۰)، روحانی و اکبریور (۱۳۹۳) و همچنین رهبر و حاتمی (۱۳۹۵) اشاره نمود.

اما در ارتباط با موضوع و چارچوب نظری پژوهش یعنی بهره‌گیری از چارچوب و الگوی کرس و ون لیوون (2006) نیز باید به این نکته اشاره کرد که پژوهشگران متعددی به ارزیابی کتاب‌های آموزشی از دیدگاه چندنمایی و در چارچوب الگوی کرس و ون لیوون پرداخته‌اند که در میان پژوهشگران خارجی ازجمله می‌توان به تورز^{۱۵} (2015) و در میان پژوهشگران ایرانی به روحانی و سعیدفر^{۱۶} (2013) اشاره کرد. تورز (2015) با استفاده از چارچوب کرس و ون لیوون (2006) به ارزیابی نشانه‌شناسی تصویری اجتماعی یک کتاب درسی در نظام آموزشی کره جنوبی پرداخته است. یافته‌های وی نشان داد که برخی پیام‌های تصویری و پیام‌های کلامی در کتاب درسی مورد مطالعه در تعارض با یکدیگرند. وی همچنین اظهار می‌دارد که چگونه این تعارض، ایدئولوژی درون آن تصاویر را آشکار می‌سازد. روحانی و سعیدفر (2013) در مطالعه‌ای جامع ضمن بهره‌گیری از مدل دستور تصویری کرس و ون لیوون (2006)، تصاویر کتاب‌های دوره دبیرستان در نظام آموزشی پیشین را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنان بیانگر آن است که تصاویر به‌طور کامل

در خدمت زبان‌آموزی به‌کار گرفته نشده بودند که این کاستی به‌طور مشخص مربوط به مشکلات موجود در ویژگی‌های بازنمایی و هم‌کنشی انتقال مفاهیم بوده است.

۳. چارچوب نظری

تصاویر همانند تمام شیوه‌های نشانه‌ای، برای اینکه بتوانند در جایگاه نظام ارتباطی کامل عمل کنند، مستلزم برآورده کردن شروط بازنمودی و ارتباطی است. یکی از مکتب‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی است که به ابعاد اجتماعی معنا در رسانه‌های ارتباطی و تصاویر مختلف می‌پردازد. نشانه‌شناسی اجتماعی امکانات بسیاری برای تحلیل نشانه‌شناختی مطرح می‌کند و با این فرض ایجاد شده است که نشانه‌ها و پیام‌ها باید در زمینه روابط و فرایندهای اجتماعی در نظر گرفته شود (Kress & Van Leeuwen, 2006, p. 6).

۳-۱. نشانه‌شناسی اجتماعی ارتباط‌های تصویری

نشانه‌شناسی اجتماعی و به‌طور مشخص رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی متأثر از نظرات هلیدی (1994) در دستور نقش‌گرا بوده است. نظریه هلیدی (1994) در واقع زبان را به‌مثابه نشانه‌شناسی اجتماعی معرفی می‌کند و در همان حال همه جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و کاربردشناختی زبان را هنگام تحلیل در نظر می‌گیرد. کرس و ون لیوون (1996) ایده هلیدی را با اندکی تغییر در واژگان درباره تصاویر به‌کار برده‌اند. آن‌ها به‌جای نقش اندیشگانی از معنای بازنمودی، به‌جای نقش بینافردی از معنای تعاملی و به‌جای نقش متنی از معنای ترکیبی استفاده کرده‌اند. از دیدگاه کرس و ون لیوون هر تصویری مانند یک نقاشی یا یک پوستر سیاسی یا تبلیغی در مجله نه تنها جهان را بازنمایی می‌کند بلکه در تعاملات نقش دارد و نوعی متن ترکیبی را به‌وجود می‌آورد. نقش بازنمودی همچون رابطه خانوادگی در فضای خانه و کنار میز غذا، به رابطه میان مشارکت‌کنندگان موجود در تصویر و فضایی که در آن قرار دارند اشاره می‌کند. این خط فکری است که نشانه‌شناسان مکتب پاریس مانند بارت و متز^{۱۷} (1960) دنبال کرده‌اند. بارت در این ارتباط می‌گوید که برای حرکت از واقعیت به عکس لازم است این واقعیت را به واحدهایی تقسیم و سپس این واحدها را نشانه در نظر بگیریم؛ این

عکس یک پیام است و مطمئناً یک واقعیت نیست، اما شباهت بسیاری با آن دارد (Kress & Van leeuwen, 2006, pp. 23-24).

۲-۳. معنای بازنمودی

اجزای سازنده تصویر مانند اشخاص، مکان‌ها و اشیا با معنای بازنمودی در ارتباط است؛ برای نمونه چهره و پوشش افراد بر موضوع خاصی دلالت دارد. این معنای تصویری همان کاری است که واژه‌ها در زبان انجام می‌دهند و از این جهت نشانه‌شناسان اجتماعی، فعالیت‌های فراتر از نشانه‌شناسان ساختارگرا و شمایل‌شناسان انجام نمی‌دهند. دیدگاه‌های جدید نشانه‌شناسی اجتماعی در راستای تحلیل تصویری معنای بازنمودی مربوط به تأکید بر نحو تصاویر به‌عنوان یک منبع بازنمودی است. در بازنمایی‌های زمان‌محور مانند ادبیات و موسیقی، نحو به ترتیب چیدمان پشت سرهم اجزا مانند ترتیب واژه‌ها مربوط می‌شود. در نشانه‌شناسی مکان‌محور مانند تصویر و معماری، نحو در ارتباط با موقعیت نسبی قرارگرفتن در فضا است؛ مثلاً اجزا در کجای فضای نشانه‌شناسی قرار گرفته‌اند؟ آیا به‌وسیله خطوط، هماهنگی رنگی و شکل به هم مرتبط شده است یا خیر؟ البته این شکل از نحو فضایی قبلاً توسط نظریه‌پردازان هنر عمدتاً در بیان‌های صورت‌گرایانه و زیبایی‌شناختی به‌کار گرفته شده است و نه برای ساخت معنای بازنمودی. کرس و ون لیوون الگوهای نحو تصویر را برحسب کاربرد آن‌ها در ایجاد ارتباط معنادار میان اجزای تصویر دسته‌بندی می‌کنند. نوع اول الگوی بازنمایی روایتی است که اجزا را بر اساس انجام دادن و رخ دادن بر مبنای نمایان کردن اتفاق‌ها و رویدادها با فرایندهای تغییر به هم مرتبط می‌کند و نوع دوم الگوهای مفهومی است که اجزا را برطبق ویژگی‌های عمومی و پایدار ذاتی بازنمایی می‌کند. این الگوها اجزا را درحال انجام کاری نشان نمی‌دهد، بلکه آن‌ها را در وضعیت چیزی بودن یا معنایی داشتن یا به‌گروهی متعلق بودن یا ویژگی‌های معینی داشتن می‌نمایاند. باتوجه به آنکه تصمیم بر بازنمایی با الگوی روایتی یا مفهومی، کلیدی برای فهم گفتمانی است که واسطه بازنمایی است، انتخاب یکی از این الگوها اهمیت بسیاری دارد (Kress & Van leeuwen, 2006, pp.175-178).

۳-۳. معنای تعاملی

تصاویر می‌توانند رابطه‌ی مشخصی میان بیننده‌ی تصویر و جهان قاب ایجاد کنند. بدین ترتیب آن‌ها با بیننده‌ی خود تعامل برقرار و او را ترغیب می‌کنند تا گرایش خاصی در برابر آنچه بازنمایی می‌شود، داشته باشند. سه عامل در درک این معناها توسط مخاطب، تأثیرگذار است: فاصله^{۱۸}، تماس^{۱۹} و زاویه دید^{۲۰}. این عوامل با هم می‌توانند ارتباطی پیچیده و زیرکانه میان بازنموده و بیننده برقرار کنند. برآیند این عوامل ممکن است سبب شود که مخاطب زن و مرد تعامل متفاوت با یک تصویر داشته باشند یا گروه‌های سنی، طبقات اجتماعی و اقوام مختلف، دارای احساس دوری یا نزدیکی متفاوتی نسبت به یک تصویر داشته باشند. جهت نگاه مشارکت‌کنندگان تصویر، چگونگی قرارگرفتن آن‌ها در تصویر و پیام یا درخواستی که از طریق تصویر ارائه می‌شود، معنای تعاملی را می‌سازد. گاه تصویر خطاب مستقیم ایجاد می‌کند و کنش تصویری را شکل می‌دهد و تصویرساز از این حالت تقاضاگر^{۲۱} برای تأثیر روی بیننده یا فراخواندن او بر عمل یا باوری استفاده می‌کند. گاهی نیز شخصیت‌های درون تصویر از بینندگان چیزی می‌خواهند؛ از آن‌ها درخواستی دارند؛ آن‌ها را سرزنش می‌کنند یا نگاهی به آن‌ها ندارند که در اینجا حالت عرضه‌گر^{۲۲} مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۴. معنای ترکیبی

تحلیل‌های مربوط به معنای ترکیبی بیشتر به کار تحلیل متن‌هایی می‌آید که تصویر و نوشته را درکنار هم برای رساندن یک معنا به کار می‌گیرد؛ مانند صفحات مجله‌ها یا کتاب‌های مصور یا گزارش‌های وابسته به تصویر. ارزش اطلاعات^{۲۳}، تنظیم چارچوب‌ها و برجسته‌سازی و وجهیت‌نمایی یکی از منابع مهم معنی ترکیبی است که در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۵. وجهیت‌نمایی^{۲۴}

وجهیت‌نمایی یکی از موضوعات اساسی در ارتباط با مسئله قابل‌اعتماد بودن است. وجهیت‌نمایی با این مسئله مرتبط است که یک نشانه، متن یا ژانر چه اندازه با واقعیت منطبق

است یا ادعای آن را دارد. مفسران اغلب در فهم یک متن در مورد وجهیت‌نمایی آن قضاوت می‌کنند. آن‌ها امکان‌پذیر بودن، واقعی بودن، باورپذیری، صحت و درستی متون را در بازنمایی واقعیات ارزیابی می‌کنند. این کار بر پایه دانش آن‌ها نسبت به جهان (رمزگان اجتماعی) و رسانه (رمزگان متنی) استوار است (چندلر^{۲۰}، ۱۹۵۲، ترجمه پارسا، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۲).

میزان اعتماد و باور ما به حقیقی بودن پیام‌ها و نشانه‌ها تا حدی به جنس و نوع رسانه و پیام بستگی دارد. میزان اعتماد به حس بینایی بیشتر از شنوایی است. همچنان که معمولاً برای اثبات صحت خبر گفته می‌شود «با چشم خود دیدم؛ با گوش خود نشنیدم». عکس‌ها معمولاً به‌عنوان تصویری از واقعیت محض، در قالب تصاویری که چیزها را همان‌طور نشان می‌دهند که با چشم غیرمسلح دیده می‌شوند، در نظر گرفته می‌شود. البته امروزه هرچند دوربین دروغ نمی‌گوید، اما آنان که از دوربین و تصاویرش استفاده می‌کنند، می‌توانند دروغ بگویند. بنابراین، پرسش از حقیقی بودن و قابل‌اعتماد بودن داده‌ها همچنان پابرجاست. از سوی دیگر نگاره‌ها و نمودارها نیز به‌عنوان حقایق صحیح در نظر گرفته می‌شوند. تصاویری که جهان را آن‌چنان‌که هست، می‌نمایانند؛ علمی و عینی. به همین دلیل نمودارها کاملاً فاقد خصوصیتی است که تأثر ما را از حقیقتی که در عکس منعکس شده است، ایجاد می‌کند. نمودارها کاملاً عمومی و تعمیم‌یافته است درحالی که عکس‌ها خاص و موردی است. نمودارها انتزاعی است درحالی که عکس‌ها واقعی است. نمودارها قراردادی و عکس‌ها به‌عنوان تصویربرداری از یک واقعیت بیرونی دیده می‌شود. این دو گونه بازنمایی از واقعیت با این‌همه تفاوت، هر دو می‌تواند داعیه واقعی بودن داشته باشد چراکه ادعای آن‌ها بر مبنای تعاریف مختلفی از واقعیت ساخته شده است (Van Leeuwen, 2005, p. 159).

۴. تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر، ضمن معرفی الگوی نشانه‌شناسی کرس و ون لیوون (2006)، به تحلیل تصاویر مرتبط با حوزه قوم و نژاد و مکان در کتاب‌های «Visions» و «Prospects» می‌پردازد. در ارتباط با بُعد نژاد و قومیت با توجه به الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی کرس و ون لیوون (2006) که در واقع مبنای نظری تحلیل در چارچوب پژوهش حاضر است، جزء محیط

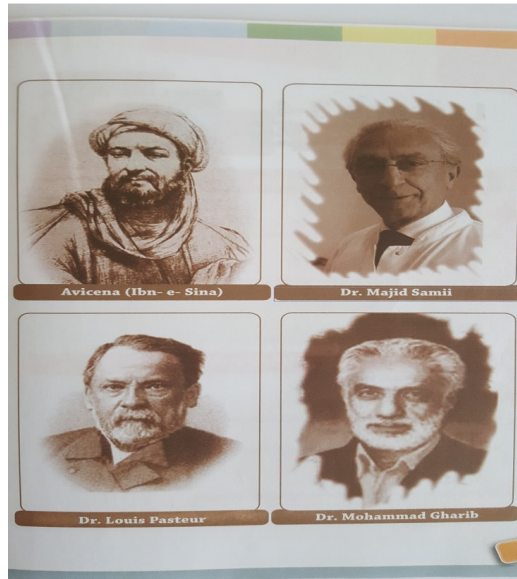
به‌عنوان جزئی از مفهوم بازنمایی تصاویر مورد بررسی قرار گرفته است. محیط در واقع شامل شرایطی است که شخصیت‌های یک تصویر را به یک محیط خاص مرتبط می‌سازد (Kress & Van leeuwen, 2006). بر پایه الگوی کرس و ون لیوون (2006)، محیط شامل محیط‌های بومی و غیربومی می‌شود. محیط بومی شامل زیرمجموعه‌های شهر، جامعه، مدرسه و خانواده و محیط غیربومی نیز شامل زیرمجموعه‌های منطقه‌ای و جهانی است.

۱-۴. اقوام

اسپنسر^{۲۶} (2006, pp. 50-53) قومیت یا گروه قومی را گروهی از انسان‌ها معرفی می‌کند که اعضای آن دارای ویژگی‌های نیایی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند. او تصریح و تأکید کرده که در رابطه با مفاهیم خاصی همانند نژاد و قومیت همواره مشکل نام‌گذاری وجود داشته است، زیرا قومیت و نژاد هرگز مفاهیمی ایستا و ثابت نبوده‌اند و از همین رو ارائه یک سری مفروضه‌های مبتنی بر تعاریف ثابت و ایستا برای این مفاهیم اشتباه است. با این حال در ارتباط با فهم مفاهیم نژاد و قومیت، رویکردها و رهیافت‌های نظری متعددی مطرح شده‌اند که از جمله می‌توان به نظریه‌های مارکسیستی، وبری، نئوبری، تعامل‌گرایی نمادین و همچنین فمینیسم اشاره کرد (ibid, p. 113).

اما در ارتباط با موضوع بحث یعنی بازنمایی تصاویر مربوط به نژاد و قومیت باید به فرایند خاصی اشاره کرد که به‌واسطه آن معنای ما و دیگری ساخته و پرداخته می‌شود. واقعیت این است که ما همگی در جهان اجتماعی زندگی می‌کنیم که سرشار از نشانه‌ها، تصاویر و تعاریفی است که از طریق وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌شوند و در همه سطوح ارتباط اجتماعی ما نفوذ می‌کنند. به بیان دیگر، برخی از ابعاد هویت ما و دیگری به‌وسیله رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و با توجه به موضوع پژوهش حاضر از رهگذر کتاب‌های آموزشی و عکس‌ها و تصویرهای موجود در آن‌ها ساخته می‌شوند و شکل می‌گیرند و درست از همین رو است که مفاهیم ما و دیگری و به تبع آن نژاد و قومیت در بستر تاریخ و اجتماع ساخته می‌شوند و در واقع امری از پیش‌موجود، ایستا و ثابت نیستند. در این بخش به بررسی چگونگی بازنمایی قوم و نژاد در تصاویری خواهیم پرداخت که در سطح معنای

بازنمودی دارای ساختار مفهومی هستند. به این منظور، ساختار مفهومی و سطوح معنایی تعاملی و ترکیب‌بندی بررسی خواهد شد.

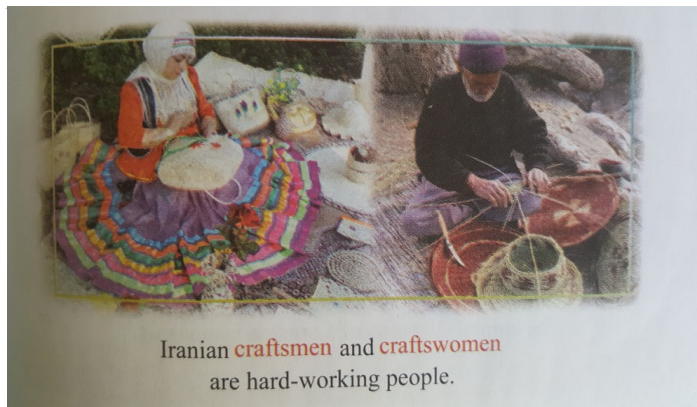


تصویر ۱: بزرگ مردان (Prospect2, 2017, p. 39)
Figure 1: Great men (Prospect2, 2017, p. 39)

از نظر معنای بازنمودی، تصویر ساختاری مفهومی دارد و گروه افرادی را که در زمینه‌های علمی موفق بوده‌اند نشان می‌دهد. هیچ یک از مشارکت‌کنندگان درون قاب تصویر کاری انجام نمی‌دهند و تعاملی میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود. تصاویر می‌توانند مفهومی، تحلیلی، طبقه‌بندی یا نمادین باشند که این تصویر کاربرد نمادین دارد. مشارکت‌کنندگان در تصویر ۱ انسان‌هایی موفق هستند. در این تصویر اشخاصی با اقوام و نژادهای غیریکسان بدون هیچ‌گونه تبعیض در کنار هم به تصویر کشیده شده‌اند. کارکرد مفهومی این تصویر آن است که «اگر شما شایستگی فعالیت و موفقیت‌های اجتماعی داشته باشید، صرف‌نظر از آن‌که متعلق به چه قوم و نژادی هستید، موفق خواهید بود». لباس‌ها و عینک افراد، مشارکت‌کنندگان بازنمایی‌شده این عکس است و بافت موقعیتی آن را می‌سازد. در سطح معنای تعاملی، با

توجه به اینکه اشخاص درون قاب تصویر در یک قاب قرار گرفته‌اند، در رابطه‌ای نزدیک با یکدیگر قرار دارند. فاصله چندانی میان مشارکت‌کنندگان تصویر وجود ندارد. آن‌ها لبخند می‌زنند و شاد هستند. افراد درون قاب تصویر همگی به بینندگان نگاه می‌کنند و با آن‌ها تعامل دارند؛ در نتیجه مشارکت‌کنندگان برقرارکننده تعامل هستند و این تصویر هم تقاضاگر است. تمام اشخاص درون عکس، ظاهری آراسته دارند و لبخند آن‌ها بیانگر احساس رضایت است. چرا ما در این تصویر، افراد با قومیت‌ها و نژادهای ایرانی و غیرایرانی را در کنار یکدیگر و بدون فاصله می‌بینیم؟ زیرا پیام این عکس چنین است: «صرف‌نظر از قوم و نژاد، فرهنگ‌های دیگر را جذب کنید و در فعالیت‌های مثبت و علمی با یکدیگر مشارکت کنید. هر کس جدا از رنگ پوست و نژاد خود اگر منتهای تلاش خود را بکند می‌تواند موفق و مشهور شود». گرچه شاید پیام مزبور تا حدودی بر پایه نوعی تحلیل یا ارزیابی شخصی شکل گرفته باشد، اما فارغ از هر قضاوت شخصی که در این ارتباط وجود داشته باشد؛ کلیت پیام تصویر همین است. در همین ارتباط اشاره به این نکته حائز اهمیت است که سه عامل بسیار مهم تماس، فاصله و زاویه دید در سطح معنای تعاملی بررسی می‌شوند. تصویر ۱ در حالت تقاضا کردن است و خطاب مستقیم ایجاد می‌کند، زیرا تمام افراد درون تصویر به بیننده نگاه می‌کنند و از آنجا که بدن افراد داخل عکس به‌طور کامل در تصویر نشان داده نشده و چهره آن‌ها به‌صورت بزرگ و برجسته است، قاب‌بندی تصویر از نوع نمای نزدیک است. زاویه دید، هم‌سطح چشم بوده و حس تشابه و تساوی میان اشخاص درون عکس و بیننده را به‌وجود می‌آورد. بیننده احساس می‌کند اشخاصی را که در تصویر می‌بیند مانند خود او هستند؛ لذا در این عکس درگیر شدن اتفاق می‌افتد و جدابودگی احساس نمی‌شود. در این تصویر، مشارکت‌کنندگان اهمیت بسیاری دارند، به همین دلیل در پیش‌زمینه بوده و برجسته شده‌اند. هاله‌های سایه پشت این اشخاص، موضوع این تصویر نیستند و در اینجا اهمیت چندانی ندارند. موضوع این تصویر، در کنار هم نشان دادن اشخاص و مفاخر ایرانی و غیرایرانی است. به همین دلیل این افراد با قرار گرفتن در پیش‌زمینه برجسته شده و کانون توجه قرار گرفته‌اند. در این عکس، هر یک از افراد درون یک قاب قرار گرفته‌اند و در نهایت تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر و یک قاب کلی به تصویر کشیده شده‌اند؛ لذا این عکس نشان می‌دهد که افراد درون تصویر به‌لحاظ موفقیت و جایگاه اجتماعی وجوه اشتراک بسیار با یکدیگر دارند. از

نظر معنای ترکیبی در این متن چندشیوه، متن تصویری بالای متن نوشتاری قرار گرفته و ایدئال است و متن نوشتاری، متن تصویری را توضیح می‌دهد. این تصویر شادمانی و خوشحالی حاصل از موفقیت و خدمت به دیگران را نشان می‌دهد. متن نوشتاری، معرفی مختصری در ارتباط با متن تصویری است. متن تصویری در مقایسه با متن نوشتاری اندازه بزرگتری دارد. از آنجا که افراد درون تصویر در پیش‌زمینه و سایه‌ها در پس‌زمینه قرار گرفته‌اند، به همین دلیل این اشخاص از برجستگی برخوردارند. قابی متن تصویری را از متن نوشتاری و همین‌طور از دنیای بیرون جدا می‌کند، اما این قاب بسیار کوچک است و این جدایی‌ها را به حداقل می‌رساند. جدایی دنیای بیرون متن تصویری توسط این قاب ظریف از دنیای بیرون آن هم بسیار کم است؛ به‌گونه‌ای که بیننده می‌تواند خود را در این عکس و در کنار مشارکت‌کنندگان آن تصور کند. ضمن اینکه بهره‌گیری از شخصیت‌های شناخته‌شده جهانی که هر یک متعلق به فرهنگ‌ها، نژادها و قومیت‌های مختلف هستند، این پیام کلی را به بیننده القا می‌کند که چنانچه تلاش کند، می‌تواند روزی را تصور کند که همانند این اشخاص در عرصه‌های گوناگون علمی موفق شود. این تصویر به لحاظ عکس بودن که دنیای واقعی را نشان می‌دهد از وجهیت‌نمایی بالایی برخوردار است. همین‌طور عکس مذکور از عمق میدان دید، سایه و نور بهره برجسته است که درجه وجهیت‌نمایی آن را افزایش می‌دهد. تصویرساز با انتخاب وجهیت‌نمایی بالا برای این تصویر به‌طور غیرمستقیم بیان می‌دارد که امروزه قوم و نژاد اشخاص اهمیت چندانی ندارد؛ افراد اگر شایستگی لازم را داشته باشند می‌توانند موفق و پیروز باشند. رابطه میان ما و این اشخاص موفق، ارتباطی دوستانه است و خصمانه نیست. ما آن‌ها را از خود دانسته و با آن‌ها دوست هستیم. با مطالعه متن نوشتاری درمی‌یابیم که کسب موفقیت‌ها متعلق به گروه‌های نژادی و طبقاتی خاصی نیست. تصویرساز تمامی این موارد را در قالب یک عکس به تصویر کشیده است تا به‌طور ضمنی به بینندگان خود بفهماند که این موارد همگی واقعی است. البته باید به این نکته اشاره شود که چنین تحلیل مشخصی که بر پایه الگوی کرس و ون لیوون (2006) مطرح شده، کاملاً بدیع و نوآورانه و در نوع خود کم‌نظیر است.



Iranian craftsmen and craftswomen are hard-working people.

تصویر ۲: صنایع دستی (Vision2, 2017, p. 87)
Figure 2: Handicrafts (Vision2, 2017, p. 87)

تصویر ۲ قسمتی از فضای روستایی را نشان می‌دهد. افراد با استفاده از مواد اولیه موجود در طبیعت مانند حصیر و کنف، وسایل کاربردی و مفیدی را می‌سازند. تصویر در سطح معنای بازنمودی، تصویری روایتی - مفهومی است. این عکس، هم‌زمان مرد و زن از اقوام مختلف را به تصویر کشیده، چیزی را روایت می‌کند و کنش تهیه کردن صنایع دستی در آن به چشم می‌خورد. دست‌های مرد و زن بردار است، آن‌ها کنشگر و صنایع دستی هدف این کنش است؛ لذا تصویر، ساختار کنشی گذرا دارد. در این تصویر، مشارکت‌کننده برقرارکننده تعامل و مشارکت‌کننده بازنمایی شده وجود دارد. لباس‌های افراد، کلاه، روسری، صنایع دستی و وسایل اطراف آن‌ها مشارکت‌کنندگان بازنمایی شده این تصویر هستند. تصویر ۲ دیگری را تولید کرده که در مکانی دیگر زندگی می‌کند. آن‌ها یکی از ما نیستند، بلکه متفاوت با ما و موضوع تماشای ما هستند. سبک زندگی و نوع محل سکونتشان نشان می‌دهد که در این عکس، غیر به تصویر کشیده است. از نظر کیفیت‌های بصری، این شاخص به‌عنوان یک دیگری به تصویر کشیده شده است. ما مشارکت‌کنندگان زن و مرد داخل قاب عکس را مانند یک قوم شهری نمی‌بینیم. این تصویر دورانی را تداعی می‌کند که ماشین‌آلات و کارخانه‌های پیشرفته وجود نداشت؛ انسان‌ها برای ادامه زندگی خود وابسته به طبیعت بودند و تا حد ممکن وسایل لازم را طراحی و تهیه می‌کردند. بر روی زمین می‌نشستند و از حصیر سبد می‌بافتند. به هنگام بررسی معنای تعاملی تصویر ملاحظه می‌شود که

افراد درون قاب این تصویر به بینندگان خود نگاه نمی‌کنند. در نتیجه مشارکت‌کننده برقرارکننده تعامل نبوده و تصویر هم عرضه‌گر است. این مشارکت‌کنندگان علاقه‌مندانه توجه کامل به حرفه خود دارند که نشان می‌دهد از اینگونه زندگی کردن رضایت نسبی را دارند. ارتفاع دوربین ابزار مهمی برای بیان است؛ زاویه بالا مشارکت‌کنندگان را کوچک و بی‌اهمیت نشان می‌دهد. این عکس از بالا گرفته شده است؛ ما از بالا به این مشارکت‌کنندگان نگاه می‌کنیم و آن‌ها هم توجه به کار خود دارند. فاصله این تصویر از نوع نمای متوسط است. در سطح معنای ترکیبی، این متن چندشیوه است که از دو لایه تصویری و نوشتاری تشکیل شده است. متن تصویری و نوشتاری دارای موضوع مشترکی است که به همین جهت با فاصله‌ای اندک، درون یک قاب بزرگ قرار گرفته است. میان آن‌ها هم‌بستگی و پیوستگی وجود دارد، اما گسستگی مشاهده نمی‌شود. لایه تصویری رنگی و بزرگ بوده و نورپردازی تصویر به سمت آن است؛ به همین دلیل نسبت به متن نوشتاری برجسته‌تر است. وجهیت‌نمایی تصویر ۲ به دلیل اینکه یک عکس رنگی است، بسیار بالاست. تصویرساز عمداً از این نوع وجهیت‌نمایی استفاده کرده تا از یک طرف نشان دهد که هر آنچه در این عکس از اقوام روستایی به نمایش گذاشته شده عین واقعیت است. آن‌ها به این شیوه زندگی خو گرفته و به آن علاقه دارند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که لزومی ندارد تمامی عکس‌ها متعلق به اقوام شهرنشین باشند. برای آن‌ها یک عکس به یادماندنی و خاطره‌انگیز مهم است و رنگ پوست و نژاد اشخاص اهمیتی ندارد. رنگ پوست، قوم و نژاد، سن و جنس افراد درون تصویر مهم نیست. تنها تکنیک‌های عکاسی و خود عکس‌ها اهمیت دارند؛ حتی این عکس‌ها می‌توانند حیوانات یا اشیای خاصی را به تصویر بکشند.

۲-۴. مکان

مکان‌های مختلف مانند خانه، کوچه، خیابان، محله، شهر، استان و فضاهای طبیعی کارکردهای مختلفی دارند. رابطه دوسویه میان مکان و انسان وجود دارد و هر یک دیگری را معنادار می‌کند. همین طور مکان‌های مختلف در ارتباط تنگاتنگ با طبقه اجتماعی - اقتصادی، جنسیت، قومیت و سن اشخاص هستند.

در این بخش به بررسی چگونگی بازنمایی مکان در تصویری می‌پردازیم که در سطح معنای بازنمودی دارای ساختار روایتی است. به این منظور هم ساختار روایتی و هم سطوح

معنایی تعاملی و ترکیب‌بندی در این تصاویر بررسی خواهند شد.



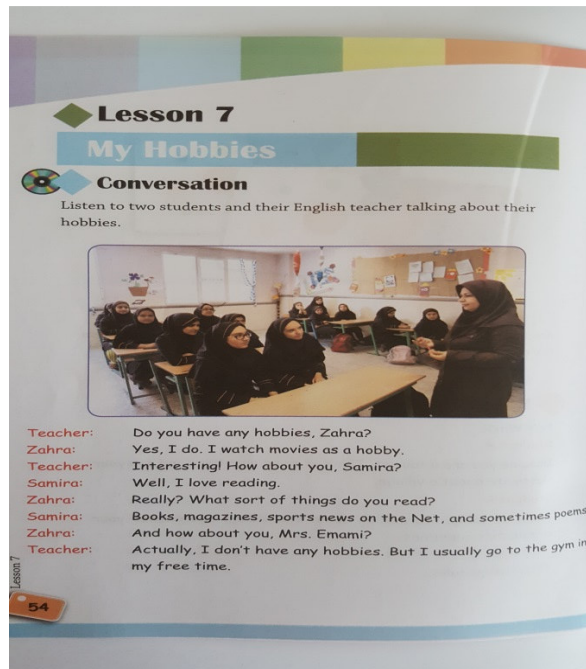
تصویر ۳: امور بهداشتی (Prospect3, 2016, p. 124)

Figure 3: Sanitary affairs (Prospect3, 2016, p. 124)

به لحاظ معنای بازنمودی، اول به دلیل وجود بردارهای متعدد و و دوم به سبب اینکه افراد داخل قاب تصویر هر کدام در حال انجام دادن عملی هستند تصویر ۳ تصویری روایتی است. تصاویر روایتی خود به دو دسته کنشی و واکنشی تقسیم می‌شود. رفتگرانی که در پیش‌زمینه تصویر هستند و جارو در دست دارند کنشگرانی به‌شمار می‌روند که با دست خود برداری را تشکیل می‌دهند. کنش، عمل جارو زدن و جارو، بردار و خیابان، هدف این کنش است پس این فرایند روایتی کنشی گذراست. مردی که در پس زمینه تصویر است با دست خود به شخصی اشاره می‌کند، اما آن شخص که این مرد به او اشاره می‌کند و هدف این کنش است مشخص نیست. این شخص از تصویر حذف شده است، لذا این قسمت تصویر، فرایند روایتی کنشی ناگذرا را نشان می‌دهد. افراد دیگر که به صورت سایه در پس‌زمینه قرار دارند هر کدام به جایی نگاه می‌کنند و این عمل آن‌ها فرایند روایتی واکنشی ناگذرا را به تصویر می‌کشد. آن‌ها واکنشگر و خط دیدشان بردار است، اما معلوم نیست که منظور این ناظرها چیست یعنی پدیده خاصی وجود ندارد. مکان این تصویر قمستی از شهر است. اشخاص و اشیای موجود در تصویر طبقه متوسط اجتماع را نشان می‌دهند. مشارکت‌کنندگان

موجود در تصویر ۳ از نوع بازنمایی شده و برقرارکننده تعامل نیستند. آن‌ها با یکدیگر و با بینندگان تعاملی ندارند. بینندگان فقط به آن‌ها نگاه می‌کنند. این مشارکت‌کنندگان بازنمایی شده عبارت‌اند از: رفتگرها، افراد مستقر در پس‌زمینه، لباس‌های آن‌ها، جارو و غیره. یعنی هر آنچه در تصویر می‌بینیم تمامی رفتگرها لباس نارنجی رنگ به تن دارند که رنگ نارنجی معنای ضمنی نظافت را به همراه دارد. در سطح معنای تعاملی، افرادی که در تصویر ۳ می‌بینیم با نگاه به شخص یا مکانی به غیر از بیننده، جدایی و انفصالی را با وی به وجود می‌آورد و با او تماسی ندارند. در نتیجه این تصویر عرضه‌گر است و مخاطب آن نیز فراگیر است و هر کسی می‌تواند باشد. این تصویر جنبه آموزشی دارد و نظم و پاکیزگی را به مخاطبان خود (زبان‌آموزان) آموزش می‌دهد. این تصویر که جامعه مبتنی بر انتظام و پاکیزگی را نشان می‌دهد دارای فاصله‌ای از نوع نمای دور است، زیرا تمام قسمت‌های مشارکت‌کنندگان آن به علاوه فاصله‌ای دورتر را نشان داده است. لذا بینندگان نسبت به آن‌ها احساس دوری، غریبگی و بیگانگی می‌کنند. زاویه دید این عکس هم‌سطح چشم و از روبه‌رو است. این زاویه دید به درگیری بینندگان با مشارکت‌کنندگان داخل تصویر تعبیر شده و هم‌سطح بودن آن‌ها را نشان می‌دهد؛ هنگامی که عکس‌ها مانند این عکس از روبه‌رو گرفته می‌شوند بیننده خود را درگیر آن می‌کند و خود را بخشی از آن می‌پندارد. به لحاظ ترکیب‌بندی تصویر مرکزگرا است. عنصر مرکزی رفتگرها هستند که در حال انجام نظافت شهر هستند و این مرکزگرایی، ارشد بودن و اهمیت آن‌ها را نشان می‌دهد. افراد دیگر که در اطراف قرار دارند عناصر حاشیه‌ای و فرعی هستند. توسط موارد ذکر شده، تصویر به‌طور غیرمستقیم بیان می‌دارد که شغل رفتگران اهمیت بسیاری دارد و دیگران باید از آن‌ها قدردانی کنند. در تصویر ۳ دو نظام متفاوت نشانه‌ای یعنی نوشتار و تصویر وجود دارد که رابطه تصویر - متن به چشم می‌خورد. در رابطه تصویر - متن، تصویر اول آمده و متن زبانی آن را توضیح می‌دهد. فرض بر این است که محتمل‌ترین مسیر خوانش مسیری است که در آن خوانندگان با نگاهی بر تصاویر شروع به خوانش متون و به پیکره متن زبانی حرکت می‌کنند. به تصاویر می‌توان نگاهی اجمالی انداخت و یا می‌توان جزئیات آن‌ها را با دقت بررسی کرد. مانند تصویر ۳ که در قسمت پایین آن متن زبانی و در بخش بالایی آن متن تصویری قرار گرفته است. تصویر حاضر بزرگ است و در بخش بالا و قبل از متن نوشتاری

قرار گرفته و در نتیجه برجسته است؛ از سوی دیگر موقعیتی را که با نظم و نظافت سروکار دارد به تصویر می‌کشد تا اهمیت آن را در فرهنگ و زبان خود نشان دهد. اینکه تا چه اندازه تصویری واقعی است برای زبان‌شناسان و نشانه‌شناسان مهم نیست، بلکه این موضوع که چقدر آن تصویر واقعی نشان داده شده است برای آن‌ها اهمیت دارد. این تصویر به دلایلی از وجهیت‌نمایی پایین و بالا برخوردار است. دلیل وجهیت‌نمایی پایین این است که در این تصویر چهار رفتگر به تصویر کشیده شده‌اند. در قسمت کوچکی از شهر که پاکیزگی نسبی حکم‌فرما است، نیازی به این تعداد رفتگر نیست و معمولاً این امر به‌جز در مواردی که مناسبت خاصی در میان باشد و یا اتفاق غیرمترقبه‌ای پیش آمده باشد، در واقعیت اتفاق نمی‌افتد. تصویرساز در این تصویر بیش از حد اغراق می‌کند. مکان به تصویر کشیده شده در این متن چندشویه بخش اندکی از یک خیابان واقع در نقطه‌ای از شهر است. انتخاب این نوع مکان به دلیل موضوع این متن یعنی اهمیت احترام به پاکیزگی است. وجود رفتگران بسیار مهم است و در این موضوع تردیدی نیست که کثرت وجود آن‌ها به‌طور ضمنی می‌خواهد در واقع یک شهر کاملاً منضبط و پاکیزه را القا کند، اما در این تصویر تصویرساز از صنعت اغراق استفاده کرده است. بر سر بخش کوچکی از یک خیابان، چند رفتگر داریم که این تصویر خیلی به‌شکل اغراق‌شده‌ای به مفهوم انضباط و نظافت در شهر و شهر پاکیزه و غیره تأکید می‌کند؛ همین اغراق بیش از حد، از وجهیت‌نمایی تصویر می‌کاهد. در واقعیت هم عکس این قضیه در خیابان‌ها اتفاق می‌افتد، یعنی به‌طور معمول تعداد رفتگران در یک بخش کمی از خیابان زیاد نیست. از سوی دیگر، دلیل بالا بودن وجهیت‌نمایی این تصویر، عکس بودن و رنگی بودن آن است. عکس‌ها در مقایسه با نقاشی‌ها وجهیت‌نمایی بسیار بالایی دارند. آن‌ها موضوع خود را به‌صورت یک واقعیت شبیه‌سازی می‌کنند.



تصویر ۴: مکالمه در کلاس درس (Prospect2, 2017, p. 54)

Figure 4: Conversation in the classroom (Prospect2, 2017, p. 54)

به لحاظ معنای بازنمودی، تصویر ۴ تصویری روایتی است. تصویر چیزی را روایت می‌کند (معلم برای دانش‌آموزان صحبت می‌کند). دست‌های معلم برداری را شکل می‌دهد. دست راست او بردار و خود او کنشگر است، اما مشخص نیست که دست او به کجا اشاره می‌کند. البته شاید هم اشاره‌ای در کار نباشد، اما به هر روی نوعی نامشخص‌بودگی در اشاره دست معلم دیده می‌شود که در واقع بیانگر غیاب هدف در تصویر است و همین مسئله است که این قسمت از تصویر را در واقع به تصویر کنشی ناگذرا تبدیل می‌کند. دست چپ معلم بردار، خودکار هدف و خود او نیز کنشگر است. لذا این قسمت از تصویر، دارای ساختار روایتی کنشی گذراست. تصویر فضای سرپوشیده‌ای را نمایش می‌دهد. این فضای سرپوشیده یک کلاس بوده و مملو از دانش‌آموز است. برخی از اشخاص درون قاب تصویر

در حال انجام دادن کاری هستند. مشارکت‌کنندگان بازنمایی‌شده این تصویر عبارت‌اند از: دانش‌آموزان، کیف، خودکار، نیمکت، پنجره و غیره.

از نظر معنای تعاملی مشارکت‌کنندگان متعدد این تصویر به بینندگان نگاه نکردند و با آن‌ها تعاملی ندارند. در نتیجه میان آن‌ها تماسی برقرار نمی‌شود و جدایی وجود دارد. به دلایلی که ذکر کردیم تصویر از نوع عرضه‌گر است. قاب تصویر ۴ از نوع نمای متوسط است، زیرا بدن مشارکت‌کنندگان تا زانو و بدن بعضی دیگر تا کمر نشان داده شده است. این نوع قاب میان اشخاص درون تصویر و بینندگان احساس دوری یا نزدیکی ایجاد نمی‌کند. در این فاصله اشخاص نسبت به هم صمیمی هستند مانند این تصویر که به خوبی نشان می‌دهد اشخاص داخل قاب تصویر با بیننده یا بینندگان در ارتباطی نزدیک هستند. زاویه دید این تصویر از بالا یا پایین نیست، بنابراین بیننده یا بینندگان درگیری بیشتری را با موضوع آن دارند.

سه عامل ارزش اطلاعات، برجستگی و تنظیم چارچوب در معنای ترکیبی مورد بررسی قرار می‌گیرند. تصویر ۴ دارای چیدمان بالا - پایین است. متن تصویری در ابتدا آمده و متن نوشتاری که به دنبال آن قرار می‌گیرد توضیحاتی در ارتباط با این متن تصویری ارائه می‌دهد. در این تصویر معلم عنصر اصلی تصویر است و در پیش‌زمینه به صورتی برجسته‌تر استقرار یافته است. دانش‌آموزان هم که عناصر حاشیه‌ای بوده و نسبت به این عنصر اصلی، فرعی هستند در پس‌زمینه مشاهده می‌شوند. اما این عناصر حاشیه‌ای به یک اندازه حاشیه‌ای نیستند، یعنی عناصری که در تصویر بیشتر از همه چشم را درگیر می‌کنند از برجستگی نسبی برخوردار است. عواملی مانند تضاد رنگ، تضاد نور، قرار گرفتن در پیش‌زمینه و اندازه نسبی عناصر در برجستگی آن‌ها دخالت مستقیم دارند. عناصری که بسته به عوامل مختلفی از پس‌زمینه جدا شده‌اند و جلو می‌ایستند برجسته هستند، مانند معلم در متن تصویری که به دو دلیل برجسته شده است. اول اینکه در این تصویر دانش‌آموزان نشسته‌اند. او که ایستاده موقعیتی متفاوت داشته و برجسته شده است. دوم اینکه معلم با قرار گرفتن در پیش‌زمینه برجسته شده و توجه همگان را به خود جلب می‌کند. در این متن چندشیوه، این تصویر است که به دلیل تضاد رنگ‌ها در آن و نورانی بودن، چشم را بیشتر درگیر می‌کند؛ پس برجسته‌تر از متن نوشتاری است. در تصویر ۴ قابی متن تصویری را از

متن نوشتاری جدا می‌کند. اما این قاب بسیار نازک است و نشان می‌دهد که تصویر و نوشتار رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. هر دوی آن‌ها یک موضوع را بیان می‌کنند و تنها شیوه بیان آن‌ها متفاوت از یکدیگر است. تمامی اشخاص تصویر ۴ در درون یک قاب قرار دارند. هر یک به تنهایی دارای قاب مجزایی نیستند؛ بدین معنی که میان این اشخاص وحدت، یکپارچگی، صمیمیت و نزدیکی وجود دارد. در این تصویر قابی کل تصویر را دربر می‌گیرد و دنیای درون آن را از دنیای بیرون آن جدا می‌کند.

عکس‌ها به‌طور معمول لحظه‌ای ثابت از واقعیت را نشان می‌دهند، لذا وجهیت‌نمایی بالایی دارد و قابل اعتمادتر است. بدین جهت تصویر ۴ هم که یک عکس رنگی است، از وجهیت‌نمایی بالا برخوردار است. تصویرساز با انتخاب یک عکس بیان می‌کند که موضوع این تصویر واقعی است؛ افسانه و داستان نیست.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

کوبتا (1998) در مطالعه خود اشاره می‌کند که یکی از موارد فرهنگی موجود در مواد آموزشی، ایجاد قالب‌های ارزشی و فرهنگی و ابتدال محتواست؛ مسائلی از جمله توجه افراطی به ظاهر، مد، پول، رفاه و مانند آن. موارد مثبت که در چشم زبان‌آموزان، دنیای انگلیسی‌زبان را همچون مدینه‌ی فاضله‌ای می‌نمایند در کتاب‌های «Visions» و «Prospects» فراوان است و تصاویری که از آن‌ها در کتاب‌های آموزش زبان یافت می‌شوند چیزی است که مطلوب و آرزوی افراد است. در متون چندشیوه موردبررسی از کتاب‌های موردنظر این پژوهش عمدتاً به موضوعات مثبت پرداخته شده و فراوانی نکته‌های مثبت بیشتر از موارد منفی است که به نظر محقق تصویری غیرواقعی از فرهنگ انگلیسی‌زبانان را نمایش داده است. نوآوری این پژوهش از این جهت اهمیت دارد که به‌طور موردی به بررسی متون چندشیوه در کتاب‌های جدیدالتألیف زبان انگلیسی آموزش و پرورش در دو مقطع متوسطه اول و دوم پرداخته است. کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی وارداتی که معمولاً در آموزشگاه‌ها تدریس می‌شوند حاوی روش‌های انتقال مطالبی است که بسیار ظریف، دقیق، هوشمندانه و با جذابیت بالا پیام‌های موردنظر خود را به زبان‌آموز انتقال می‌دهند که بسیاری از این موارد مثبت با فرهنگ ما نیز مطابقت دارند. مؤلفان کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در آموزش و پرورش می‌توانند با

بهره‌گیری از شیوه‌های به‌کار رفته در این کتاب‌های وارداتی، ارزش‌های فرهنگی و مذهبی و ملی خود را در تدوین مطالب درسی مدارس بگنجانند. از نقش معلمان زبان انگلیسی نیز در این زمینه نباید غافل شد. آگاهی مدرس زبان از ارزش‌های حاکم بر این گونه کتب به‌ویژه کتاب‌های وارداتی و تلاش در انتقال ارزش‌های مثبت به همراه توجه غیرمستقیم بر ارزش‌های فرهنگ خود به زبان‌آموزان و مقایسه آن‌ها می‌تواند به تقویت پیام‌های مثبت کمک کند. اطلاعات فرهنگی بهتر است از جانب معلم بدون جانبداری یا پیش‌داوری ارائه شود تا مؤثرتر واقع شود؛ به‌نحوی که ضمن احترام به هر دو زبان، موارد مثبت اتخاذ و موارد منفی رد شوند.

آنچه از تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی به غیر انگلیسی‌زبانان مورد بررسی استنباط می‌شود فرضیه‌های مطرح‌شده اولیه را تأیید می‌کنند؛ به این ترتیب که تصاویر بررسی‌شده در موارد بسیار سفیدپوستان و رنگین‌پوستان را در کنار هم به تصویر می‌کشند. آن‌ها تمایل دارند نشان دهند که قوم و نژاد خاص یا رنگ پوست افراد اهمیتی ندارد بلکه انسان‌ها فارغ از رنگ پوست و قوم و نژادی که دارند در صورت دارا بودن شایستگی‌های لازم می‌توانند افرادی موفق و کارآمد باشند. نوع برخورد با قوم و نژادهای دیگر و رنگین‌پوستان در مقایسه با گذشته تفاوت زیادی داشته؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها در امور اجتماعی متفاوت در کنار یکدیگر فعالیت دارند. مکان‌ها در این تصاویر به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ مکان‌های باز و مکان‌های بسته. مکان‌های باز شامل خیابان‌ها، پارک و طبیعت می‌شوند. مکان‌های بسته شامل فضای مذهبی، داخل خانه یا کلاس درس هستند. در انتخاب تصاویر مربوط به مکان، موقعیت‌های همگانی مانند خیابان و کلاس درس انتخاب شده‌اند که جنبه عمومی دارد و به‌طور خاص ارتباط با زبان یا فرهنگ خاصی ندارد؛ در نتیجه، بدون جهت‌گیری زبان مبدأ یا زبان مقصد در انتقال مفاهیم نقش دارند. نکته جالبی که در مورد وجهیت‌نمایی تصاویر در این کتاب‌ها توجه بیننده را به خود جلب می‌کند این است که تصویرساز برای نشان دادن ویژگی‌های شایسته، مثبت و عالی از عکس‌ها استفاده می‌کند تا این مطلب را به مخاطبان خود انتقال دهد که هرآنچه در این عکس‌ها به تصویر می‌کشد عین واقعیت است، اما استفاده از نقاشی‌ها به مواردی خلاصه می‌شود که ویژگی‌های ناشایست یا خلاف اصول اخلاقی به تصویر کشیده می‌شوند. استفاده از نقاشی‌ها و در نتیجه استفاده از

وجهیت‌نمایی پایین بدین معناست که این اعمال ناپسند، پرورده ذهن تصویرساز و حاصل خیال‌پردازی و رؤیاپردازی اوست. درواقع، داستان و قصه‌ای است که واقعیت ندارد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. I. Robertson
2. Kress & Van leeuwen
3. representational meaning
4. interactive meaning
5. compositional meaning
6. Halliday
7. Shin
8. Kubota
9. Wu
10. inter-semiotic relation
11. logic-semiotic relation
12. inter-clause relation
13. structural syntagmatic relation
14. Meshkat
15. Torres
16. Roohani & Saeidfar
17. Barth & Metz
18. distance
19. contact
20. point of view
21. demand
22. offer
23. information value
24. modality
25. Chandler
26. Spenser

۷. منابع

- آهنگر، ع.، و شیروانی، ج. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی - زبانی دیوارنوشته‌ها در محیط دانشگاه: مطالعه موردی دانشگاه سیستان و بلوچستان. *جستارهای زبانی*، ۵، ۱۷۵-۱۹۸.

- اکبرپور، س.، و روحانی، ع. (۱۳۹۳). نمود جنسیت در کتاب American English File. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۷، ۱۰۷-۱۳۱.
- چندلر، د. (۱۹۵۲). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه م. پارسا (۱۳۸۷). تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- رابرتسون، ی. (۱۹۴۴). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل نمادی*. ترجمه ح. بهروان (۱۳۷۷). مشهد: آستان قدس رضوی.
- رهبر، ب.، و حاتمی، پ. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی نمود تبعیض جنسیتی در تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تألیف مؤلفان ایرانی و غیرایرانی. *دومین کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی*. شیراز: مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران.
- عموزاده، م.، زارعی فرد، ر.، و علی‌نژاد، ب. (۱۳۹۲). جنسیت و قطع کلام در جلسات دفاع از پایان‌نامه. *جستارهای زبانی*، ۴، ۱۴۹-۱۷۰.
- مصلح‌زاده، ف. (۱۳۹۱). *نشانه‌شناسی تصاویر کتاب‌های درسی دوره راهنمایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنرهای کاربردی. تهران: دانشگاه هنر.
- یاری، پ. (۱۳۹۰). *بررسی نمود جنسیتی ویژگی‌های زبان‌شناختی در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی Happy و Pacesetter در دو سطح کودکان و بزرگسالان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

References:

- Ahangar, A. & Shirvani, J. (2016). Sociological-linguistic study of graffiti in the university environment: A case study of Sistan and Baluchestan University. *Language Related Research*. 5, 175-198. [In Persian].
- Akbarpour, S. & Rouhani, A. (2014). The manifestation of gender in the American English File. *Language Studies and Translation*. 47, 107-131. [In Persian].
- Chandler, D. (1952). *The basics of semiotics*. Translated by Parsa, M. 2008. Tehran: Research institute of Islamic culture and art. [In Persian].

- Robertson, Y. (1944). *An introduction to society with an emphasis on anti-functional theories and symbolic interaction*. Translated by Behravan, H. 1998. Mashhad: Astan Qods Razavi. [In Persian].
- Rahbar, B. & Hatami, P. (2016). Investigating the manifestation of gender discrimination in the pictures of English language textbooks written by Iranian and non-Iranian authors. *The Second National Conference on Humanities*. Shiraz: Center for the Development of Modern Education in Iran. [In Persian].
- Amouzadeh, M., Zareifard, R. & Alinejad, B. (2013). Gender and message hang up in dissertation defense sessions. *Language Related Research*. 4, 149-170. [In Persian].
- Moslehade, F. (2012). *Semiotics of guidance school textbook images*. M.A.Thesis. Faculty of applied arts. Tehran: University of Arts. [In Persian].
- Yari, P. (2011). *Study of gender manifestation of linguistic features in Happy and Pacesetter English textbooks in both children and adults' level*. M.A.Thesis. Shiraz University: Faculty of Literature and Humanities. [In Persian].
- Alavimoghadam, B., Kheirabadi, R., Rahimi, M. & Davari, H. (2017). *Vision 2*. Tehran: Iran text-books Press.
- Halliday, M. (1994). *An introduction to functional grammar*. (2nd ed), New York: Edward Arnold.
- Halliday, M. (1978). *Language and social semiotics*. London: Edward Arnold (2-4, 113).
- Kheirabadi, R., Alavi, M., Alavimoghadam, B., Ananisarab, M. Ghorbandordinejad, F. & Rahimi, M. (2016). *Prospect 3*. Tehran: Iran text-books Press.
- Kress, G. & Van leeuwen, T. (2006) [1996]. *Reading images, the grammar of visual design*. (2nd ed), New York: Routledge.
- Kubota, R. (1998) . Ideologies of english in Japan. *World Englishes*: 17, 3: 295-306.

- Meshkat, M. (2002). *The cultural impact of EFL books on Iranian language learners*. doctoral dissertation: University of Tehran.
- Roohani, A. & Saeidfar, A. (2013). A critical evaluation of visual elements in Iranian junior high school English textbooks. *Journal of Faculty of Letter and Humanities*, 8(28), 80-96.
- Shin, H. & Kubota, R. (2008). *Post-colonialism and globalization in language education*. The handbook of educational linguistics: Blackwell Publishing.
- Spenser, S. (2006). *Race and ethnicity (culture, identity and representation)*. London and New York: Routledge.
- Tajodin, Z., Ananisarab, M., Alavimoghadam, B., Kheirabadi, R., VakiliFard, A., Mo'azamigoudarzi, S., Rahiminejad, V., Forouzandeh, E., Khadirsharabyan, Sh. & Nikoopour, J. (2017). *Prospect 2*. Tehran: Iran text-books Press.
- Torres, G. (2015). 'Reading' world link: A visual social semiotics analysis of an EFL textbook. *International Journal of English Language Education*, 3, 239-253.
- Van Leeuwen, T. (2005). *Introducing social semiotics*. Routledge Taylor & Francis group, London & New York (37-9, 77-8, 160, 168, 198).
- Wu, S. (2014). A multimodal analysis of image-text relations in picture books. *Theory and Practice in Language Studies*, 4(7), 1415-1420.